



گفتگو



مزاری تفکر و اندیشه را به میراث گذاشت

مصاحبه با محمد سرور جوادی / از یاران شهید مزاری و رییس دفتر معاونت دوم ریاست جمهوری

اردوگاه، زیاد بود و به طبع با استاد شهید از نزدیک آشنایی حاصل می‌شد. شهید مزاری خصوصیات شخصیتی زیادی داشت، ایشان زندگی بسیار ساده‌ای داشت و کسانی که ایشان را از نزدیک نمی‌شناخت تشخیص شهید مزاری به عنوان یک رهبر، در میان مجموعه دوستان برای آنان سخت بود. ایشان تدین بسیار بالایی داشت و از تعبد و پای‌بندی به مسائل اعتقادی، دینی و مذهبی در سطح بسیار بالایی برخوردار بود. ایشان در برخوردهای مدیریتی‌شان بسیار قاطع

بنیاد اندیشه: شما کی و چگونه با استاد شهید مزاری آشنا شدید و ایشان از چه خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی برخوردار بود؟

جوادی: با استاد مزاری در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ خورشیدی آشنا شدم، به‌ویژه در اواخر سال ۱۳۶۳ که رهبر شهید سازماندهی نیروهای اعزامی به جبهات جهاد را در مرز غربی افغانستان و ایران به عهده، داشت، با ایشان از نزدیک آشنایی پیدا کردم. رفت‌وآمد ما به اردوگاه مجاهدین، به دلیل حضور دوستان ما در این

سازمان نصر افغانستان و قبل از آن در مجموعه‌های کوچک دیگر و در نهایت با تأسیس حزب وحدت اسلامی افغانستان به جهاد و مقاومت ادامه داد تا این‌که به شهادت رسید.

بیاوریش: دلیل تأکید شهید مزاری بر فعالیت‌های فکری و فرهنگی چه بود؟

جوادی: شهید مزاری به چند دلیل بر فعالیت‌های فکری و فرهنگی تأکید داشت. اول این‌که؛ یک مبارزه

که بتواند به نتیجه برسد و در طول حرکت مبارزاتی همچنان ثابت و پا برجا بماند و با همان هدف به نتیجه برسد، ضرورت به این دارد که باورمندی به آن هدف ایجاد شود و باورمندی زمانی ایجاد می‌شود که نیروی فکری آدم‌ها تقویت شود و در واقع اندیشه‌ها بارور شود. زمانی اندیشه‌ها بارور می‌شود، که اهداف مبارزه تبدیل به اعتقادات و باورها شود. از این‌رو، اساس سالم رسیدن به یک هدف مبارزاتی، داشتن یک تفکر و اندیشه قوی

طبیعی است که در گام اول شهید مزاری برای تغییر باورها و اندیشه‌ها مبارزه می‌کرد. به همین خاطر، زمانی که شهید مزاری خط مبارزه را در داخل افغانستان و یا در سفر به کشورهای عراق، سوریه، ایران و لبنان شروع کرده بود، بیش‌ترین ارتباط را با کسانی داشت که تفکر نوین و اندیشه‌های جدید اسلامی را نظریه‌پردازی می‌کردند.

بود، آن‌چه را که باور داشت بسیار قاطعانه به آن عمل می‌کرد و ملاحظه خاصی را رعایت نمی‌کرد. شهید مزاری از تفکر مدیریتی دوراندیشانه‌ای برخوردار بود، راهبردی فکر می‌کرد و بسیار دوراندیشانه برنامه‌ریزی می‌کرد و روزمره‌گی بر برنامه‌های او غالب شده نمی‌توانست. شهید مزاری علاقه خاصی به مسائل فرهنگی و تقویت فکری نیروهای جهادی داشت و در واقع مبارزه مسلحانه را در خلاء تفکر و اندیشه و در خلاء باورهای اعتقادی و فرهنگی یک فاجعه می‌دانست. از این‌رو، پا به پای سنگر، تفنگ و اسلحه، کتاب، قلم، تعلیم و درس را برای جوانان به عنوان یک ضرورت، لازم می‌دانست. رهبر شهید مبارزه را برای اصلاح جامعه، سیاست و قدرت آغاز کرد و این نوع مبارزه ماهیت فکری دارد نه نظامی، اما با اشغال کشور جنگ مسلحانه مجبوریت مبارزان و مجاهدان بود.

بیاوریش: فرهنگ و اندیشه از چه جایگاهی در اندیشه شهید مزاری برخوردار بود؟

جوادی: شهید مزاری مبارزات خود را در دو حوزه آغاز کرده بود و در همان دو حوزه متمرکز بود. حوزه اعتقادی - فکری و حوزه سیاسی. مبارزه با استبداد و نفی تبعیض و تحقق عدالت و هم‌چنین به دست آوردن آزادی مردم و رفتن به سوی ساختن یک نظام مبتنی بر اراده، اعتقادات و باورهای مردم، در حوزه مبارزاتی شهید مزاری قرار داشت که لازمه آن، تحول در اندیشه‌ها و افکار بود. طبیعی است که در گام اول شهید مزاری برای تغییر باورها و اندیشه‌ها مبارزه می‌کرد. به همین خاطر، زمانی که شهید مزاری خط مبارزه را در داخل افغانستان و یا در سفر به کشورهای عراق، سوریه، ایران و لبنان شروع کرده بود، بیش‌ترین ارتباط را با کسانی داشت که تفکر نوین و اندیشه‌های جدید اسلامی را نظریه‌پردازی می‌کردند و در کشورهای اسلامی برای ترویج آن اندیشه‌ها تلاش می‌کردند. به همین خاطر در زمان نظام شاهنشاهی ایران به دلیل فعالیت‌های فکری، فرهنگی و به دلیل انتقال مواد فرهنگی بین کشورهای ایران، عراق، افغانستان، سوریه و لبنان، در ایران دستگیر، زندانی و شکنجه شد. شهید مزاری مبارزه را با تقویت تفکر و اندیشه اسلامی در حوزه فکری و فرهنگی شروع کرد و در حوزه سیاسی ادامه داد و در تشکیل جریان سیاسی



بیاداندیش: شهید مزاری داشتن کدرهای متخصص را یکی از راه‌های برون رفت مردم از وضعیت قبلی می‌دانسته و به همین خاطر روی آموزش و فعالیت‌های علمی فرهنگی تأکید داشته است، این دیدگاه تا چه اندازه واقعیت دارد؟

جوادی: داشتن یک نیروی با تفکر و تخصص برای یک جامعه و برای یک مردم از چند جهت اهمیت دارد. اول این‌که؛ دنیای امروز دنیای علم و تخصص است و دانش و تخصص یک عنصر قوی در معادلات سیاسی و اجتماعی است. داشتن تخصص در جهت ایجاد تأسیسات و نهادهای اساسی چون؛ دولت، فرهنگ، اقتصاد و تعامل با قدرت‌ها، تعامل با ملت‌ها و هم‌طراری با دیگران از جایگاه ویژه ای برخوردار است. دوم این‌که؛ ما در یک مبارزه طولانی قرار داشتیم. زمانی که شهید مزاری پا به میدان مبارزه می‌گذازد عصر استبداد و دیکتاتوری است و زمانی است که استبداد قبیله‌ای، استبداد فردی و

”

امروز، ما، در شرایطی رسیده‌ایم که بعد از دو دهه همه کسانی که در افغانستان سیاست می‌کنند، این محورها را حداقل در شعار خود دارند و نمی‌توانند نادیده بگیرند و لو این‌که از نظر عمل در آن مسیر گام برداشته بتوانند یا نتوانند.

“

استبداد مذهبی حاکم است و این استبداد ریشه‌های چندین ساله هم داشته است. برای مبارزه با این وضعیت، اولین چیزی که لازم بود تحول فکری جامعه بود؛ یعنی باید در باورها می‌آمد که در برابر چنین نظام استبدادی مبارزه و ایستادگی لازم است و این باورها زمانی خلق می‌شود که کار فرهنگی و فکری صورت می‌گرفت. سوم این‌که؛ دوام چنین مبارزات بدون یک تفکر و اندیشه قوی و بدون داشتن یک نیروی فرهنگی قدرتمند در کنار نیروی جنگی و نظامی می‌توانست یک مبارزه کاملاً ناقص و یک توحش محض باشد، که به هیچ نتیجه‌ای منتهی نشود؛ اما مبارزه‌ای که شهید مزاری برای نفی استبداد و برای

آوردن یک نظام مردم‌سالار و عادلانه می‌خواست، باید بنیه‌های فکری و فرهنگی قوی می‌داشت. اصولاً گفتمان شهید مزاری با حکومت‌ها و دولت‌ها و چانه زنی‌ها، برای تغییر باورهایی بود که فلان قوم برتر و فلان قوم پست‌تر است! شهید مزاری می‌گفت که واقعیت‌ها را بپذیرید و همه اقوام را یکسان ببینید و برای همه حق قایل شوید. به همین دلیل است وقتی که برای شهید مزاری پنج وزارت پیشنهاد شد، مزاری گفت که ما برای پنج وزارت جنگ نکردیم، برای این مبارزه می‌کنیم که در تصمیم‌گیری‌های کشور شریک باشیم. اگر ما تصمیم‌گیرنده نباشیم، آن‌چه را به ما عطا می‌کنید فردا پس می‌گیرید. شهید مزاری معتقد بود که باید باورها تغییر کند. نگرش قدرت‌مندان به یک بخش عظیمی از جامعه یک نگرش درجه چندم بوده است و این نگرش، باید از بین برود.

می‌بینیم که اساس گفتمان، تغییر باورها در عرصه سیاست است که خود یک کار فکری و فرهنگی است. امروز، ما، در شرایطی رسیده‌ایم که بعد از دو دهه همه کسانی که در افغانستان سیاست می‌کنند، این محورها را حداقل در شعار خود دارند و نمی‌توانند نادیده بگیرند و لو این‌که از نظر عمل در آن مسیر گام برداشته بتوانند یا نتوانند. همه عدالت‌اجتماعی و برابری شهروندی می‌گویند حتی گروه‌های افراط‌گرایی مثل طالبان که امثال شهید مزاری را قربانی توحش‌شان کرده‌اند، هم امروز می‌گویند ما حقوق شهروندی را رعایت می‌کنیم و انحصارطلبی نمی‌کنیم و همه شهروندان را در قدرت، سیاست و مالکیت این سرزمین شریک می‌دانیم. این در واقع همان هدف مبارزاتی شهید مزاری بود که از طریق کار فکری و فرهنگی، باورها را دگرگون ساخت.

بیاداندیش: کدام یک از فعالیت‌های فرهنگی شهید مزاری که انجام داده است، از نظر جناب عالی برجستگی دارد؟

جوادی: شاید من نتوانم همه فعالیت‌های فرهنگی شهید مزاری را که در آن زمان صورت گرفت، با جزئیات یادآوری کنم؛ اما چیزی که در ذهنم است این است که؛ برجسته‌ترین فعالیت‌های فرهنگی شهید مزاری، ایجاد پایگاه‌های فرهنگی در کنار پایگاه‌های سیاسی و نظامی است. این مسئله را از ایجاد کتاب‌خانه در چهارکنت و

”

شهید مزاری از مشوقان و حامیان اصلی مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان بود که در حقیقت کار بزرگ فرهنگی را ایجاد و مدیریت کرد. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، توانست لشکری از نیروی فکری را در جامعه تولید و سازماندهی بکند و این لشکر در گام‌های بعدی مؤثریت خود را به صورت جدی در توسعه فرهنگی داشته است.

“

تأسیس دانشگاه بامیان که بعد از شهادت ایشان افتتاح شد، اشاره کرد. مجموعه‌ای از نشریات اجتماعی و فرهنگی چون سراج و فصلنامه نگاه معاصر و امروز هم بنیاد اندیشه، در واقع محصول گروه فرهنگی است که از زمان شهید مزاری و زمان مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان تا امروز فعال اند و در واقع نیروهایی اند که در همان زمان رشد یافته و تربیت شده‌اند که تمامی این‌ها از نتایج تلاش‌های فرهنگی رهبر شهید است.

این‌ها نمادها و نمونه‌های تلاش فرهنگی رهبر شهید است؛ اما مهم این است که او انگیزه تولید کرد، هویت کشته شده و بر باد رفته را احیاء کرد و اندیشه و تفکر عدالت و همگانی شدن و انسانی کردن سیاست را در عمل و با مبارزه نفس‌گیر و مقاومت قهرمانانه و اهدای خون به یک باور در جامعه استبداد زده تبدیل کرد.

پژداویش: اصولاً فعالیت‌های فرهنگی چه تأثیرات در جهت بازتاب محرومیت‌ها، تبیین استبدادها و تولید انگیزه برای جوانان برای مبارزه با مظاهر ستم و حق‌کشی، می‌تواند داشته باشند؟

❗ **جوادی:** یکی از مثال‌هایی را که برای پاسخ به این سوال، می‌خواهم برای خوانندگان مجله شما ارائه کنم، این است که انسان بریده از گذشته خود و ندانستن تاریخ گذشته‌شان، سردرگم و بی‌هویت زندگی می‌کنند. یکی از ثمرات فعالیت فرهنگی این است که هویت یک ملت احیا می‌شود، چنانچه هویت ملت ما احیا شد. اصلاً تعبیر احیای هویت به‌عنوان نام مجموعه‌ای از صحبت‌ها و سخنرانی‌های شهید مزاری به این دلیل است که صدها سال تلاش شده است تا هویت یک ملت از بین برود. هویت ملت

شولگره از زمان اوایل جهاد می‌بینیم تا تأسیس مرکز نشراتی سید جمال‌الدین افغانی در ایران که ماهنامه حبل‌الله را منتشر می‌کرد، ایشان یکی از حامیان و بنیانگذاران نشریه وزین پیام مستضعفین بود که در ایران منتشر می‌شد. شهید مزاری مؤسسه تحصیلات عالی شهید بلخی را ایجاد کرده بود که در عرصه حقوق، نیروها و شخصیت‌های زیادی را تربیت کرد، ایشان از جمله کسانی بود که راه دانشگاه‌ها را در توافق با سران ایران برای دانشجویان افغانستانی مقیم ایران باز کرد. ایشان در یک

توافق با کشور آذربایجان دانش‌جویان زیادی را جهت ادامه تحصیلات عالی به آنجا فرستاد، شهید مزاری از مشوقان و حامیان اصلی مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان بود که در حقیقت کار بزرگ فرهنگی را ایجاد و مدیریت کرد. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، توانست لشکری از نیروی فکری را در جامعه تولید و سازماندهی بکند و این لشکر در گام‌های بعدی مؤثریت خود را به صورت جدی در توسعه فرهنگی داشته است. مرکز نویسندگان افغانستان فصلنامه سراج، در دری و ده‌ها جلد کتاب را منتشر کرد و در حقیقت یک حرکت فرهنگی غنی و رهبری‌کننده را در جامعه ما ایجاد کرد. شهید مزاری در اوج جنگ‌هایی که در کابل بود چندین کار ماندگار را انجام داد. اعزام دانشجویان در رشته‌های فنی و تخصصی از طریق کمک‌های مردمی، به کشورهای مثل قزاقستان، آذربایجان، ایران و بعضی کشورهای دیگر و تلاش برای فعال ساختن دانشگاه کابل و حفظ کدرهای آن، فعال ساختن چند نشریه در کابل مثل خبرنگار حزب وحدت و نشریات دیگر در پاکستان، سوریه، لندن و... ایشان در زمان‌هایی که جنگ زیاد بود و فرصت اندیشیدن کمتر دست می‌داد، طرح‌های فرهنگی برای هزارستان داشت که از جمله می‌توان به



برداشت شده است و مؤسسات تحقیقاتی بسیار خوب را می بینیم که کارهای خوبی انجام می دهند. انستیتوتها و مراکز مطالعاتی ایجاد شده است؛ ولی در عین حال و به هیچ صورت کافی نیستند. کاری دیگر که همراه با نواقصی انجام شد، تدوین دانشنامه هزاره است که امیدوارم با انجام اصلاحات، ادامه یابد و متوقف نشود. مکتبها و دانشگاههای خصوصی ایجاد شده اند که همه اینها برای تولید فکر و تخصص ایجاد شده اند؛ اما تبیین پیوند این دستاوردها با جریان عدالت خواهی یک امر واقعی مهم است که لازم است پیروان شهید مزاری، به توصیف و هم چنان تعمیق آن پرداخته و ایجاد این فرصتها را با اقدامات فرهنگی شهید مزاری و جریان عدالت خواهی فراموش نکنند.

بیتاوانیش: امروزه بعضی از دوستان مسئله ای را مطرح می کنند که متوجه همکاران شما هم می شود، کوچک پنداشتن کارهای فرهنگی است، شما در این مورد چه گفتنی دارید؟

جوادی: چنانچه پیشتر هم گفتیم، فکر نمی کنم هیچ ملتی بدون تفکر و فرهنگ به سعادت رسیده باشند. تاریخ نشان می دهد که ملت هایی به قله های بلند رسیده اند که تاریخ، تفکر و فرهنگشان را تقویت کرده اند. در دین اسلام هم آغاز مبارزه توحیدی با قرائت، خواندن و دانایی شروع می شود و رسالت پیامبران هم دانایی است. بنابراین، به باور من خرده گرفتن به این مسئله که عده ای از دوستان چرا با کاغذ و قلم اوقاتشان را سپری می کنند، انتقاد بجایی نیست، خرده گرفتن بر دانایی و داشتن تفکر و اندیشه است که اصولاً کار درست نیست و این کار، به نحوی تشویق و ترغیب توحش است. هر مبارزه بدون تفکر و پشتوانه فرهنگی و فکری یک توحش مطلق است و به نظر من نه تنها ارزش ندارد، که به نتیجه هم نمی رسد. در این زمینه اصولاً انتقاد شاید نباشد و اگر هم باشد، بیشتر از جانب کسانی خواهد بود که احساساتی عمل می کنند و در پرتو احساسات رفته رفته به توحش و خشونت گرایش پیدا می کنند که به نظرم از آن میدان باید فاصله بگیریم.

بیتاوانیش: می خواهیم از شما یک خاطره فرهنگی در مورد شهید مزاری بشنویم.

ما، تاریخ و فرهنگ مردم ما، باورها و اعتقادات مردم ما در طول سیصد سال تلاش شده بود تا از بین برود؛ اما تلاش های فرهنگی شهید مزاری و همزمان و یارانش این هویت برباد رفته را احیا کرد و مردم امروز احساس می کنند که خود یک ملت با ظرفیت های کلان است که خودشان اراده خود را اعمال می کنند. بنابراین، آنچه که امروز برای مردم ما یک دستاورد محسوب می شود، محصول همان مبارزات است. به همین دلیل نباید مبارزات آن روزها، کم اهمیت تلقی شود و نباید آن را نادیده بگیریم و فراموش کنیم. فرصت هایی که امروز برای جوانان ما در زمینه تحصیل و سایر زمینه ها فراهم شده است و در حال اندوختن تجربیات نو از

جهان جدیدند، محصول همان مبارزات است که در شرایط بسیار سخت جنگ و فقر صورت گرفته است. این تفکر از درون سنگرها، ویرانه ها و زندان ها جوشیده است تا هویت یک ملت زنده شود که به درستی هم زنده شده است. تاریخ این مردم نوشته شد، بخشی از هویتشان زنده شد، نسل جدید این مردم به دانشگاهها فرستاده شده تا با تفکر و اندیشه و اراده خود

هویت این مردم را زنده نگهدارند. این زمینه ها توسط بخشی از مردم ما که در سنگر حضور داشتند، ایجاد شده است و فضای امروز را به وجود آورده است و چنین فرصت هایی را فراهم کرده است.

اما این که؛ ممکن است کارهای فرهنگی امروزی خیلی اساسی، بنیادی عمیق و پرمایه نیستند، دلیلش این است که فرصت برای جوان ها و اهالی فرهنگ ما فراهم نشده است. فکر می کنم بنیاد اندیشه یکی از این فرصتهاست و امیدوارم دهها این چنین فرصت فراهم شود تا کارهای اساسی تری صورت بگیرد. بعضی گامها

”

تاریخ نشان می دهد که ملت هایی به قله های بلند رسیده اند که تاریخ، تفکر و فرهنگشان را تقویت کرده اند. در دین اسلام هم آغاز مبارزه توحیدی با قرائت، خواندن و دانایی شروع می شود و رسالت پیامبران هم دانایی است.

“



جوادی: خاطره‌ای را که می‌خواهم خدمت خوانندگان مجله شما عرض کنم این است که؛ هیچ وقت شهید مزاری را بدون یک کتاب در دست ندیدم؛ یعنی اگر در نقطه مرزی، در حال آموزش، حضور در یک جلسه و در هر حالت که دیدم، همیشه با خود یک کتاب داشت. این به این معنا بود که می‌خواست به مجاهدین، قوماندانان و سربازانش و همه کسانی که در کنارش بودند، تفهیم کند که تفنگ شما زمانی ارزش دارد که کتابی هم در کنارش باشد. دیگر این‌که؛ ایشان هیچ فرصتی را به بذله‌گویی و به مسائل

عبث اختصاص نمی‌داد. کوچک‌ترین فرصت را که می‌یافت، کتاب یا مجله‌ای را مطالعه می‌کرد. شهید مزاری یک شخص بی‌نهایت پرمعلومات بود. او در حوزه‌های مختلف مطالعه داشت. نیرویی که با ایشان کار می‌کرد در واقع یک نیروی فرهنگی بود که در آن زمان مشهور شده بود که این‌ها افراد بی‌سواد را اصلاً در جریان خود راه نمی‌دهند؛ یعنی یک نیروی فرهنگی و دانسته برای مردم شناخته شده بود. در مسیری که مجاهدین به داخل افغانستان می‌آمدند، در یکی از شب‌ها در کوه‌های ولایت بادغیس قافله را طوفان شدید می‌گیرد، یکی از یاران شهید مزاری به دلیل خنگ‌خوردگی نمی‌توانسته راه برود، برای این‌که برای دیگران مزاحمت خلق نکند، خود را مخفیانه از قافله جدا می‌کند و زیر یک سنگ پناه می‌گیرد و قافله می‌رود. وقتی که هوا روشن می‌شود، دوستان او می‌بینند که یکی از هم‌زمان‌شان غایب است، آنان ردپای قافله را گرفته پس به دنبال او می‌روند و او را در زیر همان سنگ

می‌بینند که رو به قبله خوابیده و جان داده است در حالی که یک کتاب به نام «راه حسین» را روی سینه‌اش گذاشته است. این‌ها همه نشانه‌های آن است که شهید مزاری و همراهانش همانگونه که در شانۀشان تفنگ داشتند در دست‌شان کتاب و در سینه‌شان عشق و در سر تفکر و اندیشه داشتند و من شخص شهید مزاری را همیشه با کتاب، مطالعه و دانایی دیدم.

پنجاهمین: پیام شما برای نسل پس از مزاری چیست؟

جوادی: خوشبختانه هر روز ارزش آرمان‌های شهید مزاری برای نسل نو بهتر درک می‌شود. هم آرمان عدالت‌خواهی و تفکر مبارزه با استبداد و هم تجلی اراده مردم در تعیین نظام سیاسی و هم چنین آرزوهای فرهنگی و فکری شهید مزاری، ارزش‌هایی‌اند که نسل امروز درک می‌کنند و ما امیدوار هستیم که این آرمان‌ها به منصه عمل هم برسند و فقط به درک آن‌ها اکتفا نشود.